

A Comparative Analysis of China's and the US's Smart Power in Africa

Arsalan Ghorbani Sheikhneshin

Professor of International Relations, Kharazmi University, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran. arsalangh@yahoo.com.

Shirin Haddad Zand

M.A. in International Relations, Kharazmi University, Faculty of Law and Political Science, Tehran, Iran. sh.haddad75@gmail.com.

Abstract

Africa has received a lot of attention from China and America in recent years. By examining the soft and hard power used by these two countries in Africa, including activities in the fields of culture, politics, diplomacy, economics, and trade it is concluded that each of the powers is trying to increase their sphere of influence on this continent. In recent decades, using smart power has become one of the most important aspects of the foreign policy strategy of the great powers. In order to achieve their goals, Chinese and American's governments have taken effective steps to increase their influence and position in Africa. The main question of this study is: What is the place of using hard and soft power components and mechanisms in China and America's foreign policy towards Africa? In response to this hypothesis, a comparative-historical method is used to examine how the degree of overlap and balanced use of smart power tools and resources varies between China and America. The use of soft and hard power components by the two countries shows that China's elites in comparison with America, have been able to increase their position in Africa by creating harmony and balance use of smart power resources and tools without restrictions.

Keywords: *Africa, United States, China, Soft and Hard Power, Smart Power*

مقایسه تطبیقی قدرت هوشمند چین و ایالات متحده آمریکا در آفریقا^۱

ارسلان قربانی شیخ‌نشین

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران
arsalanh@yahoo.com

شیرین حداد زند

دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران
sh.haddad75@gmail.com

چکیده

آفریقا در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه چین و آمریکا قرار گرفته‌است. با بررسی قدرت نرم و سخت به‌کار گرفته‌شده این دو کشور در آفریقا، از جمله فعالیت در حوزه فرهنگی، سیاسی، دیپلماسی، اقتصادی و نظامی، این نتیجه حاصل می‌شود که هر یک از قدرت‌ها سعی بر آن دارند که حوزه نفوذ خود را در این قاره افزایش دهند. بنابراین در دهه‌های اخیر بهره‌گیری از قدرت هوشمند به یکی از مهم‌ترین جنبه‌های استراتژی سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌است. دولت‌مردان چین و آمریکا به‌منظور رسیدن به اهداف خود، گام‌های مؤثری در جهت افزایش نفوذ و جایگاهشان در آفریقا برداشته‌اند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «بهره‌گیری از قدرت سخت و استفاده از سازوکارهای قدرت نرم در سیاست خارجی چین و آمریکا در قبال آفریقا چه جایگاهی دارد؟» در پاسخ این فرضیه با روش تطبیقی – تاریخی بررسی می‌شود که میزان هم‌پوشانی و استفاده متوازن از ابزارها و منابع قدرت هوشمند میان چین و آمریکا متفاوت است. نحوه بهره‌گیری مؤلفه‌های قدرت نرم و سخت از سوی دو کشور، نشان می‌دهد که نخبگان چین با ایجاد هارمونی و بهره‌گیری متوازن از منابع و ابزارهای قدرت هوشمند و بدون ایجاد محدودیت توانسته‌اند جایگاه خود را نسبت به آمریکا در آفریقا افزایش دهند.

واژه‌های کلیدی: آفریقا، ایالات متحده آمریکا، چین، قدرت نرم و سخت، قدرت هوشمند

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۲۹ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۶

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صص ۵۵۱-۵۸۰

مقدمه

قاره آفریقا با برخورداری از منابع غنی نفت و گاز، موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد و وجود تعداد زیادی از کشورهای آفریقایی، سبب شده تا برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با این قاره برای کشورهای جهان به ویژه ابرقدرت‌ها، جذابیت خاصی داشته باشد. کشورها با به کارگیری ابزارهای متنوع نسبت به حضور و مشروعیت بخشی به فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی در جهت تأمین منافع خود در این منطقه گام‌های مؤثری برداشته‌اند. از این رو در دهه‌های اخیر بهره‌گیری از قدرت هوشمند به یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ، به ویژه چین و آمریکا تبدیل شده است.

اتخاذ سیاست درهای باز از سوی چین و به کارگیری قدرت هوشمند در ساختار جدید، سبب گشت تا پکن برای افزایش جایگاه و مشروعیت بخشی به اقدامات خود در عرصه بین‌الملل و رد نظریه «تهدید چین» و از سوی افزایش تعاملات تجاری و اقتصادی، روابط خود را با کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه، همچون کشورهای آفریقا افزایش دهد. بنابراین چین با به کارگیری مؤلفه‌های قدرت هوشمند، از جمله فرهنگ و آموزش، ارائه کمک‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های تجاری بدون محدودیت، همکاری جنوب - جنوب و ... اعتماد و نظر دولت - ملت آفریقا را جلب نمود که این امر زمینه مناسبات و همکاری‌های اقتصادی و به تبع آن افزایش قدرت و نفوذ چین در آفریقا را تسهیل می‌کند.

همچنین موقعیت استراتژیک، ظرفیت بالقوه سرمایه‌گذاری و منابع وافر انرژی

آفریقا توجه آمریکا را به خود جلب کرده تا با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت هوشمند نفوذ خود را در این منطقه افزایش دهد. با وجود آنکه در هر دوران رؤسای جمهور آمریکا سیاست‌های متفاوتی را در قبال آفریقا اجرا کردند؛ آنچه در تمامی سیاست‌های به‌کار گرفته شده به چشم می‌خورد، توجه به حکومت‌داری مطلوب، دموکراسی‌سازی و حقوق بشر است. آمریکا تلاش‌هایی در قالب کمک‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های تجاری و اقدامات بشردوستانه برای مشروعیت‌بخشی به عملیات و حضور نظامی خود در آفریقا انجام داده و با به‌کارگیری ابزارها و منابع قدرت هوشمند درصدد جلب نظر رهبران و مردم این قاره است.

حال این پرسش‌ها مطرح می‌شود که «بهره‌گیری از قدرت سخت و استفاده از سازوکارهای قدرت نرم در سیاست خارجی چین و آمریکا در قبال آفریقا چه جایگاهی دارد؟ و کدام یک از کشورهای چین و آمریکا با استفاده از قدرت هوشمند توانسته‌اند جایگاه خود را در آفریقا افزایش و تثبیت کنند؟» فرضیه اصلی این مقاله این است که چین و آمریکا با بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت هوشمند درصدد جلب نظر افکار عمومی و دولت آفریقا برای ادامه همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف هستند؛ اما میزان هم‌پوشانی و استفاده متوازن از ابزارها و منابع قدرت هوشمند میان چین و آمریکا متفاوت است. نحوه به‌کارگیری مؤلفه‌های قدرت نرم و سخت نشان می‌دهد که چین با ایجاد هارمونی و بهره‌گیری متوازن از منابع و ابزارهای قدرت هوشمند و بدون ایجاد محدودیت توانسته جایگاه خود را نسبت به آمریکا در آفریقا افزایش دهد. روش بررسی این پژوهش تطبیقی - تاریخی و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی و استفاده از اسناد و گزارش‌های دولتی و کتاب سفید چین است.

۱. چهارچوب مفهومی؛ قدرت هوشمند

مفهوم قدرت و مسائل مربوط به آن ازجمله دستیابی به امنیت و بقا، در طول تاریخ و در عرصه بین‌الملل از اولویت‌های اصلی کشورها محسوب شده، به‌طوری که دولت‌ها برای تأمین امنیت خود در محیط آنارشیک بین‌الملل ناگزیر به افزایش

قدرت روی آورده‌اند. مفهوم قدرت به سبب ماهیت و ساختار خاص آن به مفهومی پیچیده تبدیل شده، به گونه‌ای که طیف گسترده و متنوعی از معانی برای آن ساخته شده است؛ بنابراین در ابتدا باید این مفهوم را تعریف کرد. به بیان «جوزف نای»^۱ قدرت به معنای توانایی تحت تأثیر قرار دادن دیگران برای دستیابی به اهداف مورد نظر است که سه روش را می‌توان بیان کرد که عبارتند از: ۱. تهدید به اجبار (چماق)؛ ۲. انگیزه و پرداخت (هویج)؛ ۳. کاریزماتیک (Nye, 2008, pp. 94-95). بنابراین، انواع قدرت را از منظر اشکال آن می‌توان در دولایه قدرت سخت و نرم تقسیم‌بندی کرد. با وجود این، تحولات جهانی سبب گشت تا مفهوم جدیدی از قدرت به‌عنوان مکمل قدرت نرم و مفهومی در جهت کاهش کاستی‌های قدرت سخت مطرح شود که «قدرت هوشمند» نام دارد.

از لحاظ تاریخی قدرت سخت براساس معیارهایی همچون جمعیت، قلمرو، اهم بودن مرزهای فیزیکی و قدرت نظامی اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین در گذشته به‌خاطر نوع مناسبات حاکم بر روابط دولت‌ها در عرصه بین‌الملل، دولت‌ها عمدتاً به‌سوی قدرت نظامی متمایل می‌شدند؛ اما تحولات بین‌الملل از جمله فرایند جهانی شدن و انقلاب ارتباطات و از سوی ناکارآمدی و عدم پاسخگویی قدرت سخت به رخدادهای جهانی سبب شد تا نوع جدیدی از قدرت به نام قدرت نرم در روابط میان کشورها مطرح شود. این مفهوم اولین بار در آثار جوزف نای مطرح شد؛ وی قدرت نرم را توانایی یک بازیگر برای وادار کردن بازیگر دیگر به انجام کاری از طریق منابع ناملموس قدرت مانند فرهنگ یا مکتب فکری تعریف کرد (Nye, 2004, pp. 5-11).

با وجود این، صرف‌نظر از مثبت بودن قدرت نرم در بسیاری از سناریوهای سیاست جهانی، تنها استفاده از این قدرت کافی نیست؛ بلکه نیازمند حضور مفهوم جدیدی از قدرت با شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی است که منابع قدرت نرم و سخت را در برمی‌گیرد. «گالاروتی»^۲ ادعا می‌کند که هر مجموعه از منابع قدرت اغلب نیاز به

1. Joseph Nye

2. Gallarotti

یک یا چند مؤلفه از دیگر منابع قدرت برای مؤثرتر بودن دستیابی به اهداف دارد؛ از این رو منابع قدرت نرم می‌تواند قدرت سخت را افزایش دهد و قدرت سخت توانایی آن را دارد که منابع قدرت نرم را تقویت و تکمیل کند (Koopman, 2014, p. 12). بدین ترتیب امروزه بیش از هر زمان دیگری قدرت دارای ابعاد نرم (جذابیت) و همچنین ابعاد سخت (اجبار و تحریک) است که قدرت هوشمند را پدید می‌آورد (Nye, 2008, p. 107). قدرت هوشمند نه سخت و نه نرم است؛ بلکه ترکیبی ماهرانه از هر دو قدرت است. این مفهوم رویکردی است که بر ضرورت وجود ارتشی قدرتمند تأکید می‌کند، اما در کنار آن به تمامی ائتلاف‌ها، مشارکت‌ها و مؤسسات در همه سطوح در قالب مشروعیت‌بخشی به اعمال کشورها در عرصه بین‌الملل توجه دارد. از این رو می‌توان بیان کرد که در جهان معاصر قدرت هوشمند اثرگذاری بیشتری نسبت به دیگر اشکال قدرت دارد و ارکان کارکردی قدرت هوشمند از: ۱. سازوکارهای رسانه‌ای؛ ۲. مدیریت افکار عمومی؛ ۳. ایجاد تصویر مطلوب و مشروعیت‌بخشی؛ ۴. اندیشه حکمرانی موفق؛ ۵. مشارکت و همگرایی؛ ۶. کارایی نیروهای نظامی؛ ۷. افزایش قابلیت‌ها و توانایی‌های اقتصادی تشکیل می‌شوند (قربانی شیخ‌نشین و دیگران، ۱۳۹۰). به‌عنوان مثال، می‌توان بیان کرد که دخالت‌های نظامی یک دولت در قالب مداخلات بشردوستانه و یا نیروهای حافظ صلح می‌تواند زمینه و تصویر بهتری را برای دولت مداخله‌کننده به وجود آورد. بنابراین، ابرقدرت‌هایی همچون چین و آمریکا در جهت دستیابی به منافع خود از مؤلفه‌های کارکردی قدرت استفاده می‌کنند؛ این دو کشور با بهره‌گیری از مؤلفه‌های کارکردی قدرت هوشمند سعی در مقبولیت بخشی به فعالیت‌ها و نفوذ خود در عرصه بین‌الملل دارند؛ زیرا اعمال قدرت بدون رضایت دیگر کشورها نتایج مطلوبی به بار نمی‌آورد و به همین سبب با ترکیب هر دو قدرت نرم و سخت توانسته‌اند حضور خود را در آفریقا با برخورداری از پذیرش افکار عمومی جامعه و دولت آفریقا افزایش دهند.

۲. جایگاه قدرت هوشمند در سیاست خارجی چین

گفتمان‌های چینی همواره می‌کوشند تا جهانیان را مجاب کنند که دلیلی برای

نگرانی از چین در حال پیشرفت وجود ندارد که اهمیت آن را می‌توان در سخنرانی «هو جینتاو»^۱، رئیس‌جمهور سابق چین، در هفدهمین کنگره حزب مشاهده نمود؛ ایشان بیان کرد که چین نیازمند افزایش قدرت نرم است؛ «اگر قدرت سخت افزایش یابد احتمال آنکه دیگر کشورها چین را خطری بالقوه برای خود تصور کنند افزایش می‌یابد؛ اما اگر هم‌زمان و همسو با قدرت سخت از قدرت نرم نیز استفاده شود احتمال تشکیل ائتلاف‌ها علیه پکن به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد؛ از این منظر هدف به‌دست آمده همان قدرت هوشمند است.» (Global Diplomatic Forum, 2020). بنابراین مقامات پکن همواره در اسناد دفاعی خود مطرح می‌کنند که هرگز به‌دنبال هژمونی نخواهند بود و در تلاش هستند تا به کشورهای جهان ثابت کنند که خطری برای هیچ کشوری محسوب نمی‌شوند (The State Council Information Office of the People's Republic of China, 2019). در واقع تأکید پکن بر ثبات و صلح با همه کشورهای، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان اهداف بلندمدت قلمداد می‌شوند و چین با به‌کارگیری رویکرد هوشمندانه از منابع و ابزارهای قدرت هوشمند به‌دنبال تحقق آن است.

۳. ابزارها و منابع قدرت هوشمند چین

۳-۱. معاملات تجاری و کمک‌های مالی چین به آفریقا

پکن به دلایل متعددی که از مهم‌ترین آن عوامل اقتصادی است، خواهان گسترش روابط خود با آفریقا بوده؛ زیرا قدرت اقتصادی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع قدرت چین در کشورهای آفریقایی به‌شمار می‌رود (Cooke, 2009, p. 27). اهمیت آفریقا و چین در زمینه اقتصادی - تجاری برای یکدیگر سبب شد تا این دو به شرکای تجاری قدرتمندی تبدیل شوند؛ به‌گونه‌ای که میزان تجارت دوجانبه چین و آفریقا از ۱۳۳/۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۱۹۱/۶۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ برسد (China Africa Research Initiative, 2020b). همچنین گسترده‌گی

تقاضای انرژی چین برای حرکت شتابان چرخ‌دنده‌های اقتصاد و از سوی نامنی در عرضه انرژی، سبب گشت تا پکن استراتژی «تنوع‌بخشی منابع» را در پیش گیرد. براساس آمار به‌دست آمده در سال ۲۰۲۰، میزان معاملات نفتی چین با آنگولا، به‌عنوان مهم‌ترین کشور تأمین‌کننده انرژی چین در قاره آفریقا، ۹۴۹ هزار بشکه در روز بوده که این میزان ۹ درصد منابع انرژی مورد نیاز پکن را تأمین می‌کند (Office of the Secretary of Defense, 2020, p. 170).

روابط تجاری - اقتصادی چین با آفریقا تنها یک‌سویه پکن را تشکیل نمی‌دهد؛ بلکه چین برای آفریقا بسیار حائز اهمیت است و آن را می‌توان در میزان سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های مالی و وام‌های بلاعوض به آفریقا مشاهده نمود؛ برای مثال، میزان سرمایه‌گذاری‌های چین در کشورهای آفریقایی از ۳۹,۸۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۴۴,۳۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت (China Africa Research Initiative, 2020a). نبود پیش‌شرط‌های کمک به آفریقا برای توسعه اقتصادی که در قالب اجماع پکن ظهور یافته را می‌توان نقطه عطفی در گستردگی معادلات دوجانبه چین - آفریقا دانست. درحقیقت اجماع پکن را می‌توان نقطه مقابل اجماع واشنگتن دانست که با پیش‌شرط‌هایی همچون دموکراتیزه‌سازی رژیم، حکمرانی خوب، ارجحیت مسائل سیاسی بر مسائل اقتصادی و مواردی از این دست مانعی محکم در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشورها به‌وجود می‌آورد؛ بنابراین، می‌توان مشاهده نمود در اواخر قرن بیستم، بخشی از توسعه اقتصادی آفریقا به‌موجب احتیاط‌ها و الزامات اجماع واشنگتن مخدوش و از روند رشد و توسعه خود عقب افتاد، اما مدل توسعه چین نیاز آفریقا به رشد اقتصادی را برآورده می‌سازد (Ze Yu, 2019).

مجمع همکاری چین - آفریقا (فوکاک) مهم‌ترین تلاش چین برای افزایش جایگاه و نفوذ خود است که در سال ۲۰۰۰ توسط چین و کشورهای آفریقایی برای مشاوره و گفتگوی جمعی و مکانیزم همکاری ایجاد شد و در قالب گروه همکاری‌های جنوب - جنوب قرار دارد (Ministry of Foreign Affairs, the

(People's Republic of China, 2004a). تأثیر فوکاک در زمینه فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در اعطای وام‌ها و کمک‌های مالی غیرقابل انکار است؛ برای مثال در اجلاس فوکاک که در سال ۲۰۰۶ برگزار شد، وامی به ارزش ۵ میلیارد دلار به کشورهای آفریقایی اعطا و در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ به ترتیب ۱۰ میلیارد دلار، ۲۰ میلیارد دلار و در نهایت ۳۵ میلیارد دلار افزایش یافت (Aiping & Zhan, 2018, p. 95). همچنین «طرح تحقیق چین - آفریقا» نمونه بی‌بدلی از کمک‌ها و وام‌هایی است که دولت پکن به آفریقا داد؛ به‌گونه‌ای که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸، دولت پکن ۱۴۸ میلیارد دلار وام به آفریقا اعطا کرده است (Olander, 2020). علاوه بر آن، چین در سال‌های اخیر بیش از ۶ هزار کیلومتر راه‌آهن و جاده، ۲۰ بندر، ۸۰ تأسیسات بزرگ برق، ۴۵ سالن ورزشی، ۱۳۰ بیمارستان و مرکز پزشکی و ۱۷۰ مدرسه در آفریقا ساخت که این امر به پیشرفت‌های چشمگیر توسعه آفریقا کمک شایانی کرده است (Jianguo, 2020).

۲-۳. حضور دیپلماتیک و رویکرد فرهنگی و آموزشی چین در آفریقا

یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم؛ سیاست، فرهنگ و ارزش‌ها هستند؛ بخشی از قدرت نرم از طریق دیپلماسی عمومی و سیاست‌های اجرایی دولت به‌وجود می‌آید (نای، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۲). از این‌رو پکن با به‌کارگیری قدرت نرم در قالب دیپلماسی عمومی در قبال کشورهای آفریقایی درصدد اجرای سیاست‌های خود است. درحقیقت از نظر چین، آفریقا یک بستر اصلی دیپلماتیک، استراتژیک و ژئوپلیتیک است. پکن معتقد است که تقویت روابط چین - آفریقا به ارتقای سطح اعتبار بین‌المللی چین و همچنین به ایجاد نظم بین‌المللی عادلانه‌تر کمک شایانی می‌کند که صلح، سعادت و برابری را در سطح جهان به ارمغان می‌آورد (Hanauer & Morris, 2014, p. 6).

نقطه عطف گستردگی روابط دیپلماتیک چین با آفریقا را می‌توان در سفر رئیس‌جمهور «جیانگ زمین»^۲ در سال ۱۹۹۶ و مطرح کردن اصول پنج‌گانه، یعنی

1. China-Africa Research Initiative
2. Jiang Zemin

دوستی صمیمانه، برابری، همبستگی و همکاری، توسعه مشترک و جهت‌گیری به آینده قلمداد کرد. در این میان سیاست‌گذاران چین با کشورهای آفریقایی گفتگوهای مفید دوجانبه و چندجانبه‌ای را انجام دادند که نمونه درخشان آن «فوکاک»، برنامه‌ای برای ایجاد مشارکتی استراتژیک جدید، بلندمدت و پایدار بین چین و آفریقا براساس برابری و منافع مشترک است (Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, 2014b) نکته قابل توجه در روابط سیاسی – دیپلماتیک چین با کشورهای آفریقایی این است که مبادلات دیپلماتیک این کشور مانند کشورهای غربی تنها به کشورهای خاص محدود نمی‌شود؛ بلکه پکن روابط دیپلماتیک خود را با کشورهایی همچون رواندا^۱، اتیوپی^۲، بنین^۳ و ... تحکیم بخشیده و این امر در شکل‌دهی به همکاری در جهت پیشبرد اهداف قدرت هوشمند برای نفوذ و مشروعیت به اقدامات آنان میسر گشته‌است.

تبادلات فرهنگی با سایر کشورها یکی از مؤثرترین روش‌های تصویرسازی یک کشور و تقویت قدرت نرم و نفوذ در جوامع است. از این رو پکن از استراتژی فوق برای پیشبرد اهداف و افزایش نفوذ خود در افکار عمومی مردم آفریقا بهره می‌گیرد. چین از سال ۲۰۰۰ به‌عنوان بازیگری مهم در عرصه همکاری‌های انسانی و فرهنگی با دولت‌های آفریقا ظاهر شد (Li & Ronning, 2013, p. 4) و برنامه‌های آموزشی و پرورشی خود را با این منطقه به سطح جدیدی وارد کرد. پکن اولین گام در دیپلماسی فرهنگی را در قالب فوکاک در آفریقا پایه‌ریزی کرد که این طرح شامل فرایند آموزش، رسانه، مطبوعات، انتشارات و برنامه‌های تبادل دانشجویان است (Tella, 2016a, p. 137).

اولین گام در فرایند ترویج فرهنگ، شکل‌گیری مراکز و مؤسسات آموزشی است. پکن در سال ۲۰۰۵ درصدد بازگشایی اولین مؤسسه کنفوسیوس^۴ در

-
1. Rwanda
 2. Ethiopia
 3. Benin
 4. Confucius

نایروبی^۱ کنیا^۲ برآمد (Confucius Institute University of Nairobi, 2019) و امروزه این مراکز به ۴۸ مؤسسه در سراسر آفریقا رسیده که این امر خود عاملی در جهت درک بهتر و مناسب‌تر مردم آفریقا از فرهنگ و ارزش‌های چین است. علاوه بر تأسیس مراکز کنفوسیوس، دانشگاه‌های متعددی از جمله دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی پکن^۳ و دانشگاه ژجیانگ^۴ با آموزش زبان‌های آفریقایی در حال ارتقای تبادلات فرهنگی چین و آفریقا و تعمیق اعتماد میان طرفین هستند و همکاری دانشمندان آفریقایی و چینی در تحقیقات در رشته‌های مختلف، فضای مناسبی برای تبادلات فرهنگی به وجود می‌آورد (Kwakye Karikari, 2019).

در گام دوم، رسانه‌ها و مطبوعات به عنوان ابزاری اساسی در ترویج فرهنگ به نقش آفرینی می‌پردازند. پکن از طریق رسانه‌ها در تلاش است تا جهان‌بینی خود را در ذهن و قلب مردم آفریقا بگنجانند و می‌کوشد تا راهی برای جلوگیری از نفوذ رسانه‌های غربی در جوامع آفریقایی فراهم سازد (Tella, 2016a, p. 137). از جمله رسانه‌های چین می‌توان به «شبکه جهانی تلویزیونی چین»^۵ اشاره کرد؛ این رسانه در سال ۲۰۱۲ اولین مقر خود را در نایروبی افتتاح کرد و در همان سال نیز «چاینا دیلی»^۶ چاپ نسخه آفریقایی خود را آغاز کرد. همچنین نمی‌توان از اهمیت رادیو برای انتقال قدرت هوشمند به‌ویژه در قاره‌ای که در نیمی از کشورهای آن آمار بی‌سوادی پیش از ۳۰ درصد است غافل شد؛ از این رو رادیوی بین‌المللی چین در فوریه سال ۲۰۰۶ اولین ایستگاه رادیویی اف ام^۷ خارج از کشور را در نایروبی راه‌اندازی کرد (Li & Ronning, 2013, p.5). به غیر از رسانه‌های چینی که در آفریقا برای اشاعه ارزش‌ها و فرهنگ چین به فعالیت می‌پردازند؛ دولت چین به وسیله سرمایه‌گذاران خود شرکت‌های رسانه‌ای آفریقا، مانند «رسانه مستقل آفریقای

-
1. Nairobi
 2. Kenya
 3. Beijing Foreign Studies University (BFSU)
 4. Zhejiang Normal University
 5. China Global Television Network
 6. China Daily
 7. FM

جنوبی» را خریداری کرد (Sui, 2019).

جذب دانشجویان و اعطای بورس و کمک‌هزینه تحصیلی، گام مؤثر دیگری در جهت افزایش نفوذ و یکی از ابزارهای مهم در جهت افزایش قدرت نرم محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر، پکن از این ابزار جهت نیل به اهداف خود بهره می‌گیرد؛ خلأ موجود در جذب دانشجویان خارجی در کشورهای غربی این فرصت را برای چین به ارمغان آورده‌است؛ بنابراین، طبق گزارش وزارت آموزش و پرورش در سال ۲۰۱۸، ۸۱ هزار و ۵۶۲ دانشجوی آفریقایی در چین مشغول به تحصیل بودند؛ به معنایی دیگر ۱۶,۵۷ درصد از کل دانشجویان بین‌المللی چین را جوانان آفریقایی تشکیل داده (Moe.gov.cn, 2019). همچنین پکن انبوهی از بورس‌ها و کمک‌های مالی به دانشجویان آفریقایی اعطا کرده‌است که براساس گزارشات به‌دست آمده از مؤسسه خیریه آموزش ۴۳ درصد از کل بورس‌های تحصیلی برای کشورهای آفریقایی را چین تأمین می‌کند (The Economist, 2021). بنابراین، نفوذ فرهنگی چین در قالب رشد سریع مراکز فرهنگی، رشد تعداد زبان‌آموزان، جذب دانشجویان و ... در حال گسترش است. این امر مقبولیت دولت پکن در افکار و نگرش جوامع آفریقا را متحول ساخته و به تبع آن قدرت چین در آفریقا افزایش یافته و توانسته‌است میزان تأثیرگذاری و نفوذ کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا را به‌شدت کاهش دهد.

۳-۳. حضور نظامی چین در آفریقا

با وجود آنکه چین بیشترین توجه را به روابط اقتصادی خود با آفریقا دارد، این بدین معنا نیست که به روابط نظامی و قدرت سخت بی‌توجه باشد؛ بلکه پکن برای دستیابی به اهداف بلندمدت خود نیازمند بهره‌گیری از قدرت نظامی برای تقویت قدرت نرم است. اما نکته مهم و قابل توجه در روابط نظامی پکن با آفریقا در این امر مستتر است که این کشور در عین حال که به دنبال تقویت حضور و افزایش نیروهای نظامی خود در این منطقه می‌باشد؛ در تلاش است تا این کار را بدون جلب توجه و واکنش جوامع آفریقایی انجام دهد تا اقداماتش از سوی دولت‌ها و جوامع آفریقا به‌منزله دخالت و تجاوز به تمامیت ارضی کشورها قلمداد

نشود. استراتژی به‌کار گرفته‌شده از سوی پکن را می‌توان در قالب رویکرد نظامی جدیدی به نام «رویکرد نظامی نرم» بررسی کرد.

پکن براساس استراتژی دستیابی به صلح و عدم اقدامات تهاجمی، در طی سالیان اخیر قویاً در پروژه «عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد»^۱ در آفریقا شرکت کرده‌است. طی سی سال گذشته، نیروهای حافظ صلح نظامی چینی در بیش از بیست کشور و منطقه آفریقا مشارکت داشته و ارتش چین ۲ هزار و شصت و چهار متخصص نظامی به ۲۵ مأموریت سازمان ملل متحد گسیل کرده‌است (Defence Web, 2020). حضور نظامی چین تنها در قالب نیروهای حافظ صلح ظهور و نمود پیدا نمی‌کند؛ بلکه رشد منافع اقتصادی در عرصه بین‌الملل سبب گشته تا به‌کارگیری استراتژی نظامی برای حفاظت از منافع اقتصادی به سنگ بنایی محکم در جهت توجیه استفاده از نیروهای نظامی و قدرت سخت مبدل گردد. در دسامبر ۲۰۰۸، نیروی دریایی ارتش چین، دو ناوشکن هدایت‌شونده موشکی برای شرکت در عملیات‌های ضد دزدان دریایی در ساحل سومالی و خلیج عدن مستقر کرد (Kaufman, 2009, p. 1)؛ علاوه بر آن در سال ۲۰۱۱ و به‌موازات گسترش بحران لیبی، پکن یک ناو جنگی را به لیبی فرستاد تا بر خروج ۳۵ هزار نفر از اتباع این کشور نظارت داشته باشد (Collins & Erickson, 2011, p. 8). همچنین در سال ۲۰۱۷، چین اولین پایگاه نظامی برون‌مرزی خود را در جیبوتی^۲ به‌عنوان مرکز پشتیبانی لجستیکی برای حفاظت از نیروهای صلح خود در آفریقا احداث کرد (Coning & Osland, 2020, p. 8). پکن با بیان اینکه هدف از تأسیس پایگاه نظامی در جیبوتی نه تلاش در جهت سیطره و سلطه‌طلبی در منطقه، بلکه حمایت از مأموریت حفظ صلح، عملیات بشردوستانه و توسعه حفاظت از امنیت کشورهای آفریقایی است؛ درصدد توجیه اقدامات نظامی برآمد. همچنین درخصوص مبادلات تسلیحاتی میان چین و کشورهای آفریقایی آمار «سپری»^۳ حاکی از آن است که چین در بازار اسلحه آفریقا بازیگری مهم، اما جزئی محسوب

1. United Nations PeaceKeeping Operations (UNPKO)

2. Djibouti

3. Sipri

می‌شود؛ به گونه‌ای که در بین سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۸، چین تنها ۷/۵ درصد از واردات اسلحه آفریقا را به خود اختصاص داده و در جایگاه پنجم قرار دارد (Hendrix, 2020). علاوه بر صادرات اسلحه و ایجاد پایگاه‌ها، دولت پکن تمرینات نظامی مشترکی را با آفریقا انجام می‌دهد که از جمله آن می‌توان به تمرینات نظامی مشترک چین با تانزانیا^۱ و آفریقای جنوبی اشاره کرد (Office of the Secretary of Defense, 2020, p. 169).

۴. جایگاه قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا

امروزه آمریکا نیازمند نوعی راهبرد و روایت قدرت هوشمند است که بر ائتلاف‌ها، نهادها و شبکه‌ها تأکید داشته و پاسخ‌گوی بستر جدید در عصر اطلاعات جهانی باشد. بنابراین رؤسای جمهور آمریکا همواره نسبت به مفاهیم فرهنگی و ارزشی از جمله حقوق بشر، دموکراسی، مأموریت حفظ صلح و ... برای توجیه عملکرد و دخالت خود استفاده می‌کنند. درحقیقت تجلی واقعی کردار و رفتار دولت آمریکا در عرصه بین‌الملل، استراتژی مبتنی بر قدرت هوشمند است. از این رو انعکاس سیاست خارجی آمریکا ماهیتی سخت‌افزاری همراه با آموزه‌های فرهنگی است که هدفی برای دستیابی به هژمونی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات در عرصه بین‌الملل است. برای مثال، «اوباما»^۲، رئیس‌جمهور آمریکا، پس از روی کار آمدن در جهت تقویت قدرت هوشمند در آفریقا متعهد به حمایت از حاکمیت قوی و پاسخ‌گویی و توسعه پایدار در این قاره شد. وی در سال ۲۰۱۲ «استراتژی جدید آمریکا در قبال آفریقای زیر صحر»^۳ را ارائه نمود (The White House, 2012). همچنین در سال ۲۰۱۸ دولت ترامپ سیاست آفریقایی مبتنی بر اولویت و همکاری در قاره آفریقا را اعلام کرد (Schneidman & signe, 2018). بدین ترتیب، به‌کارگیری استراتژی‌های دولت‌های اوباما و ترامپ در کشورهای آفریقایی را می‌توان نمونه بارزی از تلاش هوشمندانه آمریکا برای به‌کارگیری منابع قدرت هوشمند در جهت

1. Tanzania

2. Obama

3. New U.S. Strategy for Sub-Saharan Africa

افزایش قدرت و نفوذ و افزایش مشروعیت این کشور در جوامع و دول آفریقا قلمداد کرد.

۵. ابزارها و منابع قدرت هوشمند آمریکا در آفریقا

۵-۱. معاملات تجاری و کمک‌های مالی آمریکا به آفریقا

در طول جنگ سرد، آمریکا از کشورهای آفریقایی، صرف‌نظر از سوابق حاکمیت آنها، برای گسترش نفوذ جهانی خود حمایت می‌کرد، اما با پایان جنگ سرد اهمیت استراتژیک آفریقا در سیاست خارجی آمریکا کم‌رنگ‌تر شد و به‌موازات آن مناسبات جغرافیایی دیگر که برای منافع اقتصادی و امنیتی آمریکا مهم‌تر تلقی می‌شدند از جمله خاورمیانه، آمریکای مرکزی و جنوب شرق آسیا در مرکزیت تعامل سیاست خارجی آمریکا قرار گرفتند (Katito, 2009, p. 147)، اما در سال‌های اخیر، آمریکا در تلاش برای نفوذ اقتصادی در آفریقا به‌عنوان منطقه‌ای که رشد و توسعه اقتصادی بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کند و فرصت‌های بسیاری را برای سرمایه‌گذاری ارائه می‌نماید؛ برآمده است. آمریکا با استفاده از استراتژی تشویق رشد اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری در صدد به‌کارگیری ابزارهای مؤثر در جهت نیل به اهداف بلندمدت موردنظر و افزایش قدرت و جایگاه خویش در آفریقا می‌باشد. با وجود این به‌کارگیری استراتژی تقویت نهادهای دموکراتیک به‌موازات کمک و سرمایه‌گذاری در کشورهای آفریقایی، آمریکا را با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌رو ساخته است. می‌توان بیان داشت که اقتصاد و به‌تبع آن کمک‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌توانند در ابعاد قدرت نرم و سخت گنجانده شوند. هنگامی که دولت‌های ارائه‌دهنده کمک‌ها، مسائل سیاسی را بر اقتصاد ارجحیت داده و از اقتصاد به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد قدرت سخت بهره می‌گیرند که نمونه بارز آن را می‌توان در تأکید آمریکا بر حکومت‌داری خوب، ترویج دموکراسی و ارزش‌های لیبرال مشاهده کرد (Blair & et al., 2019, p. 3) و در نقطه مقابل، هنگامی که جذابیت کشور اهداکننده و ارزش‌هایی که از آن حمایت می‌کند در کشورها پذیرفته شود؛ به‌عنوان ابزاری از قدرت نرم نمایان می‌شود.

درخصوص سیاست‌های اتخاذشده از سوی آمریکا در قبال آفریقا، بررسی‌ها نشان می‌دهد که روی کار آمدن دموکرات‌ها و یا جمهوری‌خواهان در رویکرد به‌کار گرفته‌شده در برابر آفریقا تفاوت چندانی ندارد؛ تنها اعمال سیاست‌ها با قوت و ضعف پیش می‌روند. برای مثال یکی از اقدامات آمریکا در دوران بوش ایجاد «شرکت چالش هزاره»^۱ است؛ این شرکت در سال ۲۰۰۴ با هدف فراهم آوردن دسترسی کشورهای فقیر آفریقا به کمک‌های مالی گسترده برای کاهش فقر از طریق رشد اقتصاد پایدار آغاز به کار کرد (Katito, 2009, p. 150).

همچنین اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا با روی کار آمدن رؤسای جمهور متعدد گاه با تغییر مواجه می‌شود. برای مثال، ترامپ با وجود آنکه ابتکار «آفریقای مرفه» را در دسامبر ۲۰۱۸ با هدف بازگشایی بازارهای تجاری آمریکا، رشد طبقه متوسط آفریقا، ارتقای فرصت‌های شغلی جوانان، بهبود فضای کسب‌وکار، افزایش تجارت دوجانبه میان آفریقا و آمریکا پایه‌ریزی کرد (Runde & Bsndura, 2019, p. 2)، اما اولویت تمرکز بر تحولات شرق آسیا سبب شد تا برنامه‌های در پیش گرفته‌شده از سوی آمریکا در قبال آفریقا در اولویت‌های ثانویه سیاست خارجی قرار گیرد و به حاشیه رانده شوند.

علاوه بر این، تلاش‌های آمریکا در جهت افزایش نفوذ و جایگاه خود در قالب ابتکارات به‌سبب وجود پیش‌شرط‌ها نتیجه مطلوبی را کسب نکرد. بنابراین در زمینه معاملات تجاری نیز تجارت و معاملات اقتصادی آمریکا با آفریقا، تحت‌الشعاع معاملات و مبادلات اقتصادی چین با این قاره قرار گرفت (Reality Check Team, 2019)؛ به‌گونه‌ای که میزان صادرات کالای آمریکا به آفریقا از ۳۸,۰۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۲۶,۵۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ کاهش یافت (Trade Map, 2019). بدین ترتیب به‌تبع کاهش میزان صادرات آمریکا به آفریقا، میزان سرمایه‌گذاری آمریکا در آفریقا از سال ۲۰۱۶ سیر نزولی را به ثبت رساند؛ به‌گونه‌ای که از ۴۹,۹۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۴۳,۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ تقلیل یافته‌است (Statista, 2020).

۲-۵. حضور دیپلماتیک و رویکرد فرهنگی و آموزشی آمریکا در آفریقا

دیدارهای رؤسای جمهور، به ویژه سفرهای کشوری، یکی از بالاترین اظهارات دوستی و همکاری میان دو کشور قلمداد می‌شود. از این رو برای کشورهای آفریقایی، میزبانی از رؤسای جمهور قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا، اهمیت بالایی دارد؛ اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت بی‌توجهی مقامات آمریکا در احترام گذاشتن و ابراز دوستی به دولت‌های آفریقایی است که این امر تأثیر به‌سزایی در افزایش سرمایه‌گذاری، سهم بازار و نفوذ دولت پکن در آفریقا بر جای می‌گذارد (Signe, 2019). برای مثال، براساس گزارشات وزارت امور خارجه تعداد محدودی از سفرهای رؤسای جمهور آمریکا به کشورهای آفریقایی به ثبت رسیده، به گونه‌ای که بوش از یازده کشور بازدید و اوباما تنها به نه کشور سفر کرد و عدم سفر ترامپ به کشورهای آفریقایی نشان می‌دهد که این قاره در حاشیه سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته است.

علاوه بر رویکرد دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی نیز نمونه بی‌بدیل و غیرقابل‌انکاری در فرایند افزایش نفوذ و تثبیت جایگاه کشورها محسوب می‌شود؛ در واقع تبادلات فرهنگی با سایر کشورها مؤثرترین روش تصویرسازی یک کشور و تقویت قدرت نرم و نفوذ در جوامع است. اولین گام در فرایند ترویج فرهنگ و اشاعه ارزش‌های مشترک، راه‌اندازی و برقراری مراکز و مؤسسات آموزشی است. از این رو دولت آمریکا، سازمان بین‌المللی آمریکایی را به نام مؤسسه آفریقا - آمریکا را با هدف افزایش فرصت‌های آموزشی برای جوانان آفریقایی و ارتقای تعاملات میان آمریکا - آفریقا از طریق آموزش و پرورش، گفتگو، تبادلات ایده‌ها و یادگیری زبان تأسیس کرد (The Africa-America Institute, 2019). علاوه بر آن، آمریکا دانشگاه‌های آمریکایی را در کشورهای آفریقایی تأسیس کرد و اقدام به راه‌اندازی دانشگاه‌های مشترک با آفریقا کرد؛ به‌عنوان نمونه، دانشگاه آمریکایی نیجریه^۱، دانشگاه بین‌المللی آمریکایی - آفریقایی غربی^۲، دانشگاه بین‌المللی آفریقا

1. America University of Nigeria

2. America International University West Africa

– آمریکا^۱، دانشگاه آمریکایی در قاهره^۲ از جمله فعالیت‌های آموزشی و پروشی دولت آمریکا است.

در گام دوم، رسانه‌ها و مطبوعات به‌عنوان ابزاری اساسی در اشاعه ارزش‌ها به نقش آفرینی می‌پردازند. دولت آمریکا از طریق رسانه‌ها از جمله تلویزیون، رادیو و اینترنت در تلاش است تا جهان‌بینی و ارزش‌های غربی را در ذهن مردم آفریقا بگنجاند و با این اقدام سد محکمی در برابر نفوذ فرهنگ دیگر کشورها ایجاد کند. برای مثال در سال ۲۰۱۶، سی‌ان‌ان^۳ برای افزایش حضور دیجیتال خود در نیجریه، پلتفرم چندرسانه‌ای را در لاگوس^۴ راه‌اندازی کرد و در همان سال بلومبرگ^۵ نسخه آفریقایی خود را منتشر کرد (Sui, 2019). همچنین جذب دانشجویان و اعطای بورس و کمک‌هزینه‌های تحصیلی نیز گامی مؤثر در جهت افزایش نفوذ و جایگاه کشورها تلقی می‌گردد. رؤسای جمهور آمریکا همواره در صدد آن هستند تا اقدامات و برنامه‌های مفیدی را در جهت جذب دانشجویان و نخبگان تعبیه کنند. از این رو می‌توان مشاهده کرد که در سال تحصیلی ۲۰۱۹-۲۰، تعداد دانشجویان آفریقایی به ۴۱ هزار و ۶۹۷ نفر رسید که ۱۴۰۷ نفر بیشتر از سال تحصیلی پیشین است (Open doors, 2021).

۳-۵. حضور نظامی آمریکا در آفریقا

با اعلام استقلال قاره آفریقا در اواخر دهه ۱۹۵۰، توجه آمریکا به این قاره به پایین‌ترین سطح تقلیل یافت و در عین حال به‌کارگیری رویکرد منفعلانه آمریکا در قبال آفریقا سبب گشت تا این قاره پیش از پیش به یک مسئله اساسی نظامی و امنیتی تبدیل گردد. از این رو آمریکا برای برقراری امنیت در صدد افزایش نفوذ نظامی خود در قالب «فرماندهی مستقل نظامی آمریکا در آفریقا (آفریکوم)»^۶ برآمد

1. United States International University Africa

2. The American University in Cairo

3. CNN

4. Lagos

5. Bloomberg

6. United States Africa Command (AFRICOM)

(French, 2020). در سال ۲۰۰۷، آفریکوم با هدف ترویج امنیت آفریقا، ارتقای اهداف امنیت ملی آمریکا در این قاره و آب‌های اطراف آن شروع به فعالیت کرد (Ploch, 2011)، اما اهداف و عملکرد آفریکوم تنها محدود به تأمین امنیت سنتی در کشورهای آفریقا نمی‌شود، بلکه آموزش نظامیان، برنامه‌های آموزشی و کمک‌های بشردوستانه در قالب نیروهای حافظ صلح را با هدف ارتقای قدرت نرم آمریکا ارائه می‌دهد. همچنین اقدامات نظامی آمریکا در قالب مبارزه با تروریسم نمایشی از قدرت سخت آمریکا است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که آفریکوم تبلوری از تلاش‌های آمریکا برای نمایش قدرت هوشمند در آفریقا است. علی‌رغم تلاش‌های آمریکا برای به تصویر کشیدن آفریکوم با توجه به ویژگی‌های قدرت نرم و استفاده از آن به عنوان قدرت هوشمند، همچنان به نظر می‌رسد که در آفریقا خصوصیات قدرت سخت آن درک می‌شود (Tella, 2016b, p. 401).

طبق آمار به دست آمده در سال ۲۰۲۰ حدود پنج هزار سرباز آمریکایی در سراسر آفریقا مستقر بودند که بیشترین تعداد آنان در جیبوتی قرار داشتند (The World Fact Book, 2021). همچنین آمریکا یک پایگاه نظامی رسمی به نام «اردوگاه لمونیر»^۱ در کشور جیبوتی (Allen, 2016) و ۳۴ پایگاه نظامی دیگر در سراسر قاره آفریقا مستقر کرده که بیشترین آنها در شمال، غرب و شاخ آفریقا متمرکز هستند (Dubey, 2021, p.2). در خصوص واردات تسلیحات از آمریکا به کشورهای آفریقایی آمار سیبری حاکی از آن است که آمریکا در بازار اسلحه آفریقا بازیگری بسیار مهم محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که در بین سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۸، آمریکا ۱۹ درصد از واردات اسلحه به آفریقا را به خود اختصاص داده و این امر سبب شده است تا جایگاه دوم پس از روسیه را در مبادلات تسلیحاتی با این قاره به دست آورد (Hendrix, 2020).

۶. مقایسه تطبیقی قدرت هوشمند چین و آمریکا در قاره آفریقا

امروزه چین و آمریکا رقابت خود را تنها محدود به منطقه‌ای خاص نمی‌کنند، بلکه

افزایش قدرت چین و تلاش این کشور در جهت افزایش نفوذ و جایگاه خود در عرصه بین‌الملل سبب گشته تا میدان رقابت گسترده‌تر گردد و این امر رقابت این دو قدرت را به سوی آفریقا کشانده‌است. از این رو در پژوهش فوق، جداگانه به بررسی اقدامات و استراتژی هوشمندانه دولت‌های پکن و واشنگتن در آفریقا پرداخته و حال به مقایسه عملکرد هوشمندانه این دو کشور در این قاره پرداخته می‌شود.

معاملات تجاری و اقتصادی و سرمایه‌گذاری یکی از عناصر اصلی اندازه‌گیری قدرت هوشمند است. از این رو می‌توان مشاهده کرد که میزان مبادلات تجاری - اقتصادی میان آمریکا و آفریقا در سال‌های اخیر با سیر نزولی روبه‌رو شده‌است. علل آن را می‌توان در به‌کارگیری سیاست‌های متنوع رؤسای جمهور آمریکا، نگاه به تحولات شرق آسیا و خاورمیانه و از سویی ورود نفت شیل به بازار انرژی دانست که این امر سبب شد تا سیاست‌های در پیش گرفته‌شده از سوی آمریکا در قبال آفریقا در اولویت‌های بعدی قرار گیرد و به تبع آن میزان سرمایه‌گذاری‌ها و تبادلات تجاری نیز با افول همراه شد؛ به‌گونه‌ای که میزان مبادلات دوجانبه از ۴۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۳۲ میلیارد در سال ۲۰۱۹ افول یابد و به تبع آن میزان سرمایه‌گذارهای واشنگتن در آفریقا کاهش یافت، به‌گونه‌ای که از ۴۹,۹۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۴۳,۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ تقلیل یافته‌است (Statista, 2020). این در حالی است که میزان مبادلات دوجانبه چین از ۱۳۳/۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۱۹۱/۶۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید و میزان سرمایه‌گذاری پکن در آفریقا از ۳۹/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۴۴/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش یافت (China Africa Research Initiative, 2020a). آمریکا دیگر سرمایه‌گذار اصلی در آفریقا محسوب نمی‌شود که این امر سبب گشته تا بازیگری همچون چین تجارت، سرمایه‌گذاری و دیپلماسی را به‌عنوان ابزار قدرت نرم تقویت و به تبع آن نفوذ و جایگاه خود را با به‌کارگیری استراتژی «برد - برد» در قالب الگوی توسعه اقتصادی عرضه کند.

از سویی دیگر اعطای وام‌ها و کمک‌های مالی بدون محدودیت و پیش‌شرط‌هایی همچون رعایت دموکراسی و حقوق بشر، حکمرانی خوب و ... سبب گشته تا رهبران و مردمان آفریقا، کمک‌های چین را عموماً با رویکردی مثبت و به‌عنوان «رهیافتی جدید به توسعه و تقویت همکاری‌های واقعی جنوب - جنوب» برداشت کنند. حتی این ایده مطرح شده که چین الگویی ایدئال برای توسعه کشورهای اقتصادی آفریقا است. در حقیقت چین برخلاف آمریکا، کمک خارجی را نگاهی بلندمدت‌تر به‌عنوان ابزاری در تقویت موقعیت و جایگاه در جهان می‌نگرد (میرتربی، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۹). از این‌رو به‌عنوان مثال می‌توان به نظر نظرسنجی‌هایی که مردم آفریقا در آن شرکت داشتند اشاره کرد که حاکی از دید مثبت شهروندان آفریقایی به‌طور کلی نسبت به نفوذ و حضور چین در کشورهای آفریقایی است. طبق آمار به‌دست آمده در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، ۶۳ درصد از مردم آفریقایی در ۳۶ کشور دیدگاه‌های مطلوبی از فعالیت‌های اقتصادی و کمک‌های چین و به‌تبع آن حضور چین داشتند. همچنین در ۳۶ کشور ۲۵,۶ درصد از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی «آفروبارومتر»^۱ بیان کردند که چین نسبت به آمریکا با ۲۳,۴ درصد، بیشترین تأثیر را در جوامع آفریقا بر جای گذاشته است (Blair & et al., 2019, p.10).

در حوزه دیپلماسی و رویکرد فرهنگی نیز شاهد کاهش روابط دیپلماسی - سیاسی آمریکا با دول آفریقایی هستیم؛ از این‌رو اتخاذ سیاست‌های آمریکا در قبال آفریقا سبب شد تا میزان تأثیرگذاری و نفوذ فرهنگی آمریکا کاهش یابد و به‌تبع آن قدرت هوشمند آمریکا نیز در این قاره کاهش می‌یابد؛ این در حالی است که قدرت هوشمند چین با به‌کارگیری ابزار فرهنگ و آموزش در حال افزایش جایگاه خویش در جوامع آفریقا است. امروزه دیگر مانند گذشته جوانان آفریقایی یادگیری زبان انگلیسی را یکی از اصول مهم در موفقیت خود قلمداد نمی‌کنند؛ بلکه با افزایش اهمیت زبان چینی، آنان سعی می‌کنند تا با یادگیری آن فرصت‌های محیا شده برای تجارت با چین را مغتنم شمارند. بنابراین یادگیری و جذابیت زبان

چینی در مؤسسات کنفوسیوس؛ نماد برجسته‌ای از قدرت نرم چین محسوب می‌شود (Sall, 2016, p. 137)، اما در نقطه مقابل شاهد نزول نفوذ فرهنگی آمریکا و به تبع آن کاهش قدرت نرم آمریکا در این قاره می‌باشیم.

درخصوص جذب دانشجویان نیز همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، اعطای وام و کمک‌های تحصیلی برای جذب دانشجویان یکی از کارکردها و ابزارهای مؤثر در جهت نفوذ فرهنگی و اشاعه ارزش‌ها قلمداد می‌گردد؛ از این‌رو دولت پکن با اتخاذ برنامه‌ریزی‌ها و اعطای کمک‌های تحصیلی به دانشجویان درصدد است تا در این راه نفوذ غرب را به حداقل‌ترین میزان خود برساند و راه را برای افزایش نفوذ و تثبیت جایگاه خویش در افکار و اذهان جوامع آفریقایی هموار سازد. گفتنی است که دولت آمریکا با ایجاد محدودیت‌ها این فرصت طلایی را برای چین به ارمغان آورده‌است؛ برای مثال باید به سیاست ترامپ در جهت کاهش ۷۱ درصد بودجه بورس تحصیلی «فولبرایت»^۱ و همچنین محدودیت ویزای دانشجویی اشاره کرد (Luedi, 2018).

در حوزه نظامی نیز آمریکا استفاده از ابزارهای نظامی را به‌عنوان منبعی برای قدرت سخت به استفاده از منابع نظامی در جهت افزایش قدرت نرم ارجحیت می‌دهد. به همین سبب می‌توان مشاهده نمود که آمریکا همواره تعداد کمی از نیروی نظامی را به‌عنوان نیروهای حافظ صلح به آفریقا می‌فرستد. این تعداد در سال ۲۰۲۰، تنها ۳۲ نفر بوده و در عین حال دولت پکن استراتژی خاصی را در قالب رویکرد نظامی نرم پیش گرفته‌است. از همین‌رو در سال ۲۰۲۰، چین ۲ هزار و ۵۳۲ نیرو در جهت مشارکت در عملیات حفظ صلح به آفریقا گسیل کرده‌است (United Nations Peacekeeping, 2020). این امر نشان از به‌کارگیری متناسب دولت پکن از نیروی‌های نظامی هم در قالب قدرت نرم و هم در قالب قدرت سخت در جهت نیل به افزایش نفوذ و مشروعیت‌بخشی به جایگاه خود در سراسر آفریقا دارد و در نقطه مقابل عدم به‌کارگیری متناسب و اشنگتن از قدرت هوشمند، آمریکا را با چالش‌های جدی در کشورهای آفریقایی روبه‌رو ساخته‌است.

بدین ترتیب، موارد فوق به روشنی نشان می‌دهد که استراتژی به‌کار گرفته‌شده از سوی آمریکا در عدم متناسب‌سازی راهبردهای اقتصادی، دیپلماسی، رسانه‌ای و ... بر نفوذ و جایگاه این کشور در جوامع آفریقایی تأثیر منفی بر جای گذاشته و میدان رقابت در جهت افزایش قدرت در این قاره به نفع چین تغییر یافته‌است و این فرصت مناسب را برای پکن به‌وجود آورده تا با متوازن‌سازی و به‌کارگیری سیاست و استراتژی‌های مناسب، نفوذ و جایگاه خویش را در میان جوامع و دول آفریقایی افزایش و به اهداف بلندمدت خویش، یعنی افزایش قدرت هوشمند تا حدودی جامه عمل بپوشاند.

نتیجه‌گیری

چین و آمریکا دو قدرت بزرگ در عرصه بین‌الملل هستند که همواره می‌کوشند با استفاده از ابزارها و مؤلفه‌های قدرت هوشمند، نفوذ و مشروعیت بین‌المللی خود را گسترش دهند. از این‌رو در کنار هم‌پوشانی و استفاده متوازن و همسوز از ابزارهایی همچون دیپلماسی، فرهنگ و اقتصاد به‌عنوان ابزارهای قدرت نرم، مدرنیزاسیون نظامی نیز به‌عنوان اشکالی از قدرت سخت در جهت تأکید بر نفوذ و مشروعیت بین‌المللی مطرح است. امروزه عرصه رقابت میان این دو قدرت در سراسر جهان تسری یافته و آفریقا نیز طی چند دهه اخیر به محل رقابتی بی‌پایان برای افزایش نفوذ چین و آمریکا مبدل گشته‌است. پیروزی در رقابت میان دو قدرت با متوازن‌سازی و هماهنگی مؤلفه‌های قدرت هوشمند در ارتباط است؛ زیرا با توجه به شرایط متحول در عرصه بین‌الملل، اعمال و نفوذ قدرت بدون رضایت دیگران و تنها مبتنی بر زور نتایج مطلوبی را به بار نمی‌آورد. بنابراین، عدم استفاده متوازن و عدم هم‌پوشانی قدرت سخت در کنار قدرت نرم این دو کشور را به‌منظور رسیدن به اهداف خود، یعنی تأکید بر نفوذ و مشروعیت با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد. از این‌رو چین برای پیشبرد اهداف خود، مبتنی بر قدرت هوشمند بر سیاست همکاری‌جویانه در چهارچوب استراتژی برد - برد، همکاری جنوب - جنوب، گسترش تجارت دوجانبه، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های بدون پیش‌شرط به آفریقا تأکید داشته و گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری چین با

آفریقا و گسترش پروژه‌های زیربنایی به رهبری چین، منعکس‌کننده جایگاه و دیدگاه مثبت‌تر جامعه و دولت‌های آفریقا به اقدامات چین نسبت به آمریکا است که اساساً در غالب برنامه‌های انسان‌دوستانه و منافع امنیتی به فعالیت می‌پردازد و این امر به چین برای افزایش فعالیت‌های اقتصادی در این قاره کمک می‌کند و سعی بر آن دارد تا از قدرت سخت در قالب نیروی نظامی در جهت حفظ امنیت و برقراری صلح بهره‌گیرد تا به اقدامات خود در کشورهای آفریقا مشروعیت بخشد. عدم ایجاد هارمونی و بهره‌گیری متوازن از منابع و ابزارهای قدرت نرم و فقدان استراتژی واقع‌بینانه آمریکا در قالب به‌کارگیری پیش‌شرط‌هایی همچون حکمرانی خوب، تقویت مدل‌های دموکراتیک و حمایت از حقوق بشر و از سوی تغییر در اولویت سیاست خارجی آمریکا و تمرکز به تحولات شرق آسیا و به موازات آن کاهش اهمیت نفت آفریقا به سبب کشف نفت شیل؛ قدرت نرم واشنگتن را در آفریقا با اختلال و کاهش مواجه ساخته است. علاوه بر آن به نظر می‌رسد اولویت سیاست خارجی واشنگتن به استفاده غیرمتوازن از قدرت سخت همسو و هم‌راستا با قدرت نرم و علاقه‌مندی به تأسیس پایگاه‌های نظامی و افزایش حضور نظامیان به جای بهره‌گیری از قدرت نرم در قالب حضور نیروهای حافظ صلح و از سوی کاهش معاملات تجاری و سرمایه‌گذاری، میزان مشروعیت‌بخشی اقدامات آمریکا را در افکار جوامع آفریقایی خدشه‌دار کرده است. در نهایت به نظر می‌رسد سیاست‌های آفریقایی «جو بایدن»^۱ با دولت پیشین واشنگتن تفاوت خواهد داشت و دولت بایدن تلاش خواهد کرد تا با استفاده از روابط تجاری، گسترش معاملات اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آفریقا و از سوی توجه جدی به مسائل حقوق بشر و بهداشت در این قاره نفوذ پیشین خود را کسب و معادله قدرت در آفریقا را برای کسب مشروعیت بیشتر در مقابل پکن به نفع خود تغییر دهد، اما آنچه اکنون می‌توان مشاهده کرد این است که چین با ایجاد هارمونی و بهره‌گیری متوازن از منابع و ابزارهای قدرت هوشمند و بدون ایجاد محدودیت توانسته است جایگاه خود را در افکار جوامع و دول آفریقایی

1. Joe Biden

افزایش دهد و این امر نشان از افزایش قدرت هوشمند چین به تناسب بهره‌گیری هوشمندانه و متناسب و هم‌زمانی استفاده از قدرت سخت و نرم دارد.



منابع

- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، کرمی، کامران و عباس‌زاده، هادی (۱۳۹۰). قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی‌شدن. *فصلنامه روابط خارجی*، ۳(۴)، ۱۲۵-۱۵۰. بازیابی شده از: http://frqjournal.csr.ir/article_123571.html
- میرترابی، سعید (۱۳۹۹). چالش چین در برابر ایالات‌متحده، رقابت بر سر جایگاه و الگوی ارائه کمک خارجی. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۲(۲)، ۱۸۷-۲۱۶. بازیابی شده از: http://frqjournal.csr.ir/article_126209.html
- نای، جوزف (۱۳۹۸). *آینده قدرت*. (محمد حیدری و آرش فرزاد، ترجمه). تهران: فرزاد (نشر اثر اصلی: ۲۰۱۱).
- Aiping, Z. & Zhan, Sh (2018). Origin, Achievements, and Prospects of the Forum on China-Africa Cooperation. *China International Studies*, 88-108. Available at: http://www.focac.org/eng/lhyj_1/yjcg/P020181026382446204313.pdf.
- Allen, N.D.F (2016, September 26). *U.S. Military Assistance to Africa Is Growing. But Is It Succeeding?*. World Politics Review. <https://www.worldpoliticsreview.com/articles/19995/u-s-military-assistance-to-africa-is-growing-but-is-it-succeeding>.
- Blair, R.A., Marty, R. & Roesler, P. (2019). Foreign Aid and Soft Power: Great Power Competition in Africa in the Early 21st Century. *AidData Working Papers*, 1-19. Available at: <https://www.aiddata.org/publications/foreign-aid-and-soft-power-great-power-competition-in-africa-in-the-early-21st-century>.
- China Africa Research Initiative (2020a). *Data: Chinese Investment in Africa*. <http://www.sais-cari.org/chinese-investment-in-africa>
- China Africa Research Initiative (2020b). *Data: China-Africa Trade*. <http://www.sais-cari.org/data-china-africa-trade>.
- Collins, G. & Erickson, A.S. (2011). Implications of China's Military

- Evacuation of Citizens from Libya. *China Brief*, 11(4), 8-10. Available at: <https://jamestown.org/program/implications-of-chinas-military-evacuation-of-citizens-from-libya/>.
- Cooke, J.G. (2009). China's Soft Power in Africa. In: *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States: Competition and Cooperation in the Developing World*, 27-44, Washington: Center for Strategic and International Studies. Available at: https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/media/csis/pubs/090403_mcgiffert_chinesesoftpower_web.pdf.
- Confucius Institute University of Nairobi (2019). *Historical Back Ground*. <https://confucius.uonbi.ac.ke/basic-page/about-us>.
- Coning, C. & Osland, K.M. (2020). China's Evolving Approach to UN Peacekeeping in Africa. *Norwegian Institute of International Affairs*, 1-15. Available at: https://www.researchgate.net/publication/339338703_China%27s_Evolving_Approach_to_UN_Peacekeeping_in_Africa.
- Defence Web (17 November 2020). *China talks up its peacekeeping role in Africa*. <https://www.defenceweb.co.za/joint/diplomacy-a-peace/china-talks-up-its-peacekeeping-role-in-africa>.
- Dubey, H. (2021). Africa's Growing Foreign Military Bases. *Center for Security Studies*. Available at: <https://jgu.s3.ap-south-1.amazonaws.com/jsia/Himanshu+Dubey+-+Foreign+Military+Bases+in+Africa.pdf>.
- French, H.W. (2020, January 2). *America's Downsized Relationship With Africa Is About to Go Totally Adrift*. *World Politics Review*. <https://www.worldpoliticsreview.com/articles/28441/us-africa-relations-are-being-downgraded-even-further-under-trump>.
- Global Diplomatic Forum (4 August 2020). 5 Pillars of China's Smart Power. <https://www.gdforum.org/members-series-china>.
- Hanauer, L. & Morris, L.J. (2014). *Chinese Engagement in Africa*. Santa Monica: Rand Corporation.
- Hendrix, C.S. (15 July, 2020). *Arms and influence? Chinese arms transfers to Africa in context*. Peterson Institute for International Economics. https://www.piie.com/blogs/realtime-economic-issues-watch/arms-and-influence-chinese-arms-transfers-africa-context#_ftn1.
- Jianguo, W. (2020, November 19). *China-Africa cooperation should be carried out under 'dual circulation'*. *Global Time*. <https://www.globaltimes.cn/>

content/1207452.shtml.

- Katito, G. (2009). Continuity, little change?: Us-africa policy under the Obama administration. *OASIS*, (14), 145-157. Available at: https://www.researchgate.net/publication/227386285_Continuity_Little_Change_US-Africa_Policy_Under_the_Obama_Administration.
- Kaufman, A. A. (2009). China's Participation in Anti-Piracy Operations off the Horn of Africa: Drivers and Implication. *CAN*, 1-13. Available at: https://www.cna.org/CNA_files/PDF/D0020834.A1.pdf.
- Koopman, A. (2014). *The Defence Strategy of the Brazilian Navy: Hard, Soft or Smart Power?*. Master International Relations, Leiden University, Leiden.
- Kwakye Karikari, T. (2019, November29). *Cultural exchanges boost China-Africa ties*. China Daily http://www.chinadaily.com.cn/global/2019-11/29/content_37526480.htm.
- Li, SH. & Ronning, H. (2013). China in Africa: Soft power, media perceptions and a pandeveloping identity. *CMI Report*, 1-17. Available at: <https://www.cmi.no/publications/file/4943-china-in-africa-soft-power.pdf>.
- Luedi, J. (2018, October10). *Why African students are choosing China over the West*, Asia by Africa. <https://www.asiabyafrica.com/point-a-to-a/african-international-students-study-in-china>.
- Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China (2004 a). *Characteristics of FOCAC*. <https://www.fmprc.gov.cn/zflt/eng/gylt/ttj/t157576.htm>.
- Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China (2014 b). *China-Africa Relations*. https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/ziliao_665539/3602_665543/3604_665547/t18059.shtml.
- MOE.GOV.CN. (18April 2019). *Statistical report on international students in China for 2018*. Ministry of Education: the People's Republic of China. http://en.moe.gov.cn/documents/reports/201904/t20190418_378692.html.
- Nye, J.S. (2004). *Soft Power: the Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- Nye, J.S. (2008). Public Diplomacy and Soft Power. *The Annals of the American Academy*. DOI: 10.1177/0002716207311699, 94-109.
- Office of the Secretary of Defense (2020). *Military and Security Developments*

- Involving the People's Republic of China 2020. *Military Department of Defense*, 1-173. Available at: <https://media.defense.gov/2020/Sep/01/2002488689/-1/-1/1/2020-DOD-CHINA-MILITARY-POWER-REPORT-FINAL.PDF>.
- Olander, E. (2020, December 1). *China to cut back lending to Africa in the post-COVID-19 era*. The Africa report. <https://www.theafricareport.com/52806/china-to-cut-back-lending-to-africa-in-the-post-covid-19-era>.
- Open doors (2021). *International Student Data. IIE*. <https://opendoorsdata.org/data/international-students/all-places-of-origin>.
- Ploch, L. (2011). Africa Command: U.S. Strategic Interests and the Role of the U.S. Military in Africa. *Congressional Research Service*, 1-43. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/natsec/RL34003.pdf>.
- Reality Check team (31 July 2019). *What are the US's intentions in Africa?*. BBC. <https://www.bbc.com/news/world-africa-49096505>.
- Runde, D.F. & Bandura, R. (2019). U.S. Economic Engagement in Africa: Making Prosper Africa a Reality. *A Report of the CSIS Project on Prosperity and Development*, 1-20. Available at: https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/190429_Runde_Bandura_ProspAfrica_WEB_v2.pdf.
- Sall, O. (2016). Chinese Soft Power in Africa: Case of Senegal. *Open Journal of Social Sciences*, 4, 133-142. DIO: 10.4236/jss.2016.411011.
- Schneidman, W. & Signe, L. (2018, December 20). *The Trump administration's Africa strategy: Primacy or partnership*. Brookings. <https://www.brookings.edu/blog/africa-in-focus/2018/12/20/the-trump-administrations-africa-strategy-primacy-or-partnership>.
- Signe, L. (2019, April 19). *A Trump visit to Africa is important—and carries some urgency*. Brookings. <https://www.brookings.edu/opinions/a-trump-visit-to-africa-is-important-and-carries-some-urgency/>.
- Statista (9 December 2020). *Direct investment position of the United States in Africa from 2000 to 2019*. <https://www.statista.com/statistics/188594/united-states-direct-investments-in-africa-since-2000>.
- Sui, C. (2019, October 29). *China wants state media to peddle its "soft power" in Africa, but tech platforms are a better bet*. Quartz Africa. <https://qz.com/africa/1736534/china-daily-cgtn-fight-for-influence-in-africa->

- vs-bbc-cnn/amp.
- Tella, O. (2016a). Wielding soft power in strategic regions: an analysis of China's power of attraction in Africa and the Middle East. *Africa Review*, 8(2), 133-144. DOI: 10.1080/09744053.2016.1186868.
- Tella, O. (2016b). AFRICOM: hard or soft power initiative?. *African Security Review*, 25(4). DOI: 10.1080/10246029.2016.1225588, 393-406.
- The Africa-America Institute (2019). *History*. <https://www.aaionline.org/who-we-are>.
- The Economist (30 January 2021). *Covid-19 disrupts China's rise as a destination for foreign students*. <https://www.economist.com/china/2021/01/30/covid-19-disrupts-chinas-rise-as-a-destination-for-foreign-students>.
- The State Council Information Office of the People's Republic of China (24 July 2019). *China's National Defense in the New Era*. Available at: http://english.www.gov.cn/archive/whitepaper/201907/24/content_WS5d3941ddc6d08408f502283d.html.
- The White House (14 Jun 2012). *U.S. Strategy toward Sub-Saharan Africa*. <https://2009-2017.state.gov/documents/organization/209377.pdf>.
- The World Fact Book (2021). *Military Deployments*. <https://www.cia.gov/the-world-factbook/field/military-deployments>.
- Trade Map-International Trade Statistics (2019). <https://www.trademap.org/Index.aspx>.
- United Nations Peacekeeping (2020). *Contributors to UN Peacekeeping Operations by Country and Post*. <https://peacekeeping.un.org/en/contributions-to-un-peacekeeping-operations-country-and-post-5>.
- Ze Yu, S. (2019, September 8). *In Africa the Beijing Consensus is Pushing Confucius over Plato*. Africa at LSE. <https://blogs.lse.ac.uk/africaatlse/2019/09/18/africa-beijing-consensus-confucius-plato-education>